

نوآوری در تبلیغ دین

حوزه اگر بخواهد در سطح جهانی فعالیتی داشته باشد تنها با نوشتن کتاب و مقاله نمی تواند تمام اهداف خود را بطور کامل پیاده کند بهر حال باید در این زمینه بیشتر کار شود.

بحث بعدی نوآوری در طرز تلقی و تفکر است که شاید این از اساسی ترین مسایل برای تحقق بخشیدن به آرمان نوآوری در حوزه باشد.

حضرت امام خمینی (ره) فرمایشات خود دارند که: «برخی در حوزه ها هنوز باور ندارند خیلی از واقعیتهای جهان معاصر را باور ندارند که امروزه اساس این اعتقاد به خدا، بهشت و دوزخ و معاد همه اینها محل بحث جدی قرار گرفته است. بیخ گوش ما، فرزندان خود شما در دانشگاهها امروزه سر کلاس استاد می روند شبیه جدید کلامی، اعتقادی، حقوقی و فقهی مطرح می کنند. نمی شود که ما چشممان و گوشمان را ببندیم و بگویم اینها اصلا وجود ندارد. باید این واقعیتهای باور کنیم و تکلیف شرعی خود را عمل کنیم ما اگر بخواهیم دین را حی و زنده، دینی خواهد بود که از شبهات و هجومه های که امروزه به ساحت دین می شود باخبر باشد، ابزار لازم را برای مواجهه و مقابله با آنها فراهم کرده باشد، از علوم و دانشهای مهاجم به دین حداقل تصویری داشته باشد که اینها حرفشان چیست؟ طرز تلقی و تفکرمان با مقداری مطالعه و عنایت بیشتر، سعی کنیم به روز باشد.»

نوآوری در محتوای علوم حوزوی
البته برخی از این عناوینی که بنده اشاره می کنم ممکن است متداخل باشند ولی برای اهمیت بیشتر تفکیک شده اند. اینکه علوم حوزوی باید تخصصی شود جای شک نیست. همین ضرورت های زمان بعد از انقلاب ایجاب کرد که مادر چند رشته علوم حوزوی رشته تخصصی دایر کنیم یعنی ضرورت های زمان این تحول را بر ما تحمیل کرد مثل کلام، تفسیر و تبلیغ، در سایر رشته ها هم همان کبرای کلی دیر یا زود خواهد آمد. در خود فقه نیز باید مسأله تخصص مطرح شود، البته اینها باید مطالعه شود و ما الان به شکل اظهار نظر نهایی نمی خواهیم چیزی را عرضه کنیم. می خواهیم بگویم بزرگان حوزه اینها را مورد مطالعه قرار دهند، بزرگان و اساتید محترم همیشه به ما گفته اند: فقه ما آنقدر گسترده است که اگر کسی عمرش را تنها صرف فقه کند باز به همه جوانب فقه نمی رسد این یک واقعیت است و نشانه ای از عظمت فقه اسلامی

است. درست است، اما امروزه ما برای اینکه عالم و کارشناس برای رشته های مختلف فقهی داشته باشیم باید چه کنیم؟ باید بزرگان و کارشناسان بنشینند و جلسه کنند، کمیسیون تشکیل دهند و بحث کنند که چه ابوابی از فقه را می شود با هم در یک گروه قرار داد. درست است که بین زیر مجموعه های فرهنگ اسلامی یک ارتباطاتی وجود دارد، این را کسی منکر نیست ولی این دلیل بر منع از تخصصی نمی شود، چون به هر حال اصول عقاید ما به فقه ما ارتباط دارد فقه به تفسیر، تفسیر به تاریخ... چرا ما یک راه اجرایی عملی پیدا نکنیم برای اینکه کارشناسان زنده ای در هر یک از این رشته ها داشته باشیم؟

کاربردی شدن علوم
مطلب دیگر این که بعضی می گویند ما علوم حوزوی را می خوانیم اما جنبه کاربردی ندارد به عنوان نمونه: کتاب اجاره راطله می خواند اما بلد نیست یک قولنامه بنویسد. شاید این کلیت هم نداشته باشد، خیلی ها هم شاید بتوانند بنویسند اما لازم است مقداری از این فقه را متناسب با اجاره هایی که در صحنه جامعه هست و در محضرها انجام می شود بخواند و طلبه برود آنجا دوره کارورزی ببیند و یاد بگیرد.

مطلب دیگر «به روز بودن» است، برخی مباحث را همه بزرگان و اساتید در درسهای می فرمایند که اینها نمره عملی ندارد و فقط نمره علمی دارد و برای تشجید اذهان و برای جولان فکر خوب است واقعا ما الان آنقدر مشکلات جامعه مان را حل کرده ایم که به فکر تشجید اذهان باشیم؟ این فکر باید طوری باز شود که بتواند مشکلی را از جامعه حل کند. بخشی از امروزه روحانیت و فضلا ما مدتی درس می خوانند و بعد وارد کارهای اجرایی می شوند زیرا بر اساس فرهنگ اسلامی باید در صحنه جامعه کار انجام دهند پس لازم است ما حوزه را به سستی ببریم که بتوانیم چنین نیروهایی را به نظام اسلامی تحویل دهیم.

مطلب دیگری که در همین محور احساس می شود سلطه مطلق فقه و اصول در حوزه است حتی بر قرآن و نهج البلاغه، و چون این سلطه هست کمتر کسانی به فکر حداقل یک دوره مطالعه نهج البلاغه می افتند، که مطالعه کنند و با تعمق بخوانند و رویش کار کنند، همچنین نسبت به قرآن، برخی سخن از مظلومیت قرآن در حوزه ها دارند. ما مفسر کم داریم، این

جای مطالعه ندارد؟ اما یک کتاب فقهی راسی دوره تدریس کردن یک ارزش مطلق پیدای کند به طوری که یک عالم حوزوی وقتی می خواهد به تفسیر و نهج البلاغه بپردازد می بیند آن اعتبار لازم را در حوزه به او نمی دهند، توجه نمی کنند، عنایت ندارند، او هم می گوید: چرا وقت خود را صرف چیزی کنم که توجه نمی کنند؟ این هم نکته ای است مورد توجه.

قالبهای عرضه را نو کنیم. بحمدالله بعد از انقلاب در این زمینه خیلی کار شده است، امروز استفاده از کامپیوتر در مراکز حوزوی یک امر رایجی شده است، اگر این امری سال پیش در حوزه مطرح می شد شاید واکنشهای تند علیه آن صورت می گرفت اما به هر حال زمان نشان داد که از این ابزارها می شود استفاده کرد و خیلی سریعتر به آن اهداف تحقیقاتی رسید.

نکته دیگر نوآوری در تدوین و نگارش متون است نحوه نگارش ادبیات و کتابها باید تغییراتی داده شود و ادبیات به روز شود، حتی ادبیات عرب. بسیاری از کتابها مربوط به چند دهه قبل است، اینها باید تغییر کند و ادبیات امروز نوشته شود و همچنین در نحوه چاپ و قطع کتابها نگوید که اینها مسایل فرعی است، خوب نوآوری وقتی بخواهد تحقق عملی خارجی پیدا کند در قالب همین جزئیات و فروع است و باید در همین ها هم کاری انجام شود.

نوآوری در شیوه های تبلیغ و تدریس
زمانی یکی از اساتید ما می فرمودند: ما اولین بار که در حوزه تخته سیاه آوردیم و در یک زیر زمین طلبه ها گذاشتیم، این خیر آنقدر انعکاس وسیع در حوزه پیدا کرد که شگفت آور بود، همه جامی گفتند در حوزه تخته سیاه آورده اند!

بحمدالله الان این مسایل حل شده است منظور من این است که در شیوه های تدریس ما اگر مثلا از ویدئو استفاده کنیم و یا نوار واضح است که در یک جمع وسیع تری می توانیم از آن استفاده ببریم و البته باید امکانات برای تهیه این وسایل و ابزار تدریس فراهم شود. در تبلیغ هم می توانیم از شیوه های جدید تری استفاده کنیم، البته منبر و محراب و آن شکل سنتی تبلیغات ما باید همچنان باشد و آن یکی از راههاست و در کنار آن می توانیم راههای دیگری هم داشته باشیم که موثر ترند و سریعتر به هدف تبلیغی خود می رسیم.
نوآوری در ایجاد فضا و محیط آموزشی
شما سالن آمفی تاتر مدرسه دارالشفاه

قم را در نظر بگیرید با تجهیزات و امکاناتی که دارد، این سالن بحمدالله از برکات حوزه و نظام مقدس جمهوری اسلامی است در سابق ما این سالن ها را در حوزه نداشتیم. کلاسهایی که الان در مدارس هست تجهیزات بهتری از سابق دارد و از نظر نور و صوت و امکانات محیط آموزشی باید به آن عنایت داشته باشیم که اینها مناسب پادرس باشد. چقدر اعصاب شما اساتید محترم ناراحت می شد، از اینکه در صحن یاد حجره ای درس می گفتید و زوار رفت و آمد می کردند و با سرو صدا درس شما را به هم می زدند. اینها واقعیتهایی است که سعی کنیم محیطهای آموزشی درس شود و کلاس واقعا برای درس باشد نه محل رفت و آمد.

نوآوری در ایجاد تفریح سالم در حوزه

طلاب جوان که نشاط جوانی دارند باید از تفریحات سالم برخوردار باشند. یک دانشجو در دانشگاه درس می خواند، ورزش هم دارد و... و بالاخره نشاطی بر اثر ورزش بدست می آورد. الان خیلی از بزرگان حوزه برنامه قدم زدن صبحگاهی را دارند که برای سلامت جسم آنها مفید

است. برای طلاب جوان هم باید یک برنامه ورزش و تفریح سالم در نظر گرفته شود، مثلا کوه بروند و یا انواع و اقسام ورزشهای مناسب بارعبایت تمام شوند حوزوی در یک محیط طلبگی را داشته باشند و به هر حال مکانی مناسب برای تفریحات سالم در حوزه ها باید در نظر گرفته شود.

تشویق نوآوران و مبتکران در حوزه
لازم است از جانب بزرگان حوزه، کسانی که دارای فکر خوبی هستند مورد تشویق قرار گیرند که به صحنه بیایند و از آنها استفاده شود.

کشف نیروهای مبتکر در حوزه لازم است و باید یک مکانیزمی باشد تا در حوزه افراد خوب و مبتکر و مستعد حوزوی را شناسایی کنند، و ما باید یک مرکز استعدادسنجی در حوزه داشته باشیم تا طلبه ای را که از ابتدا وارد حوزه می شود زیر نظر و کنترل داشته باشد و از راههای مخفف او را ارزیابی کند و واقعا اگر یک نیروی مستعدی است بر روی آن سرمایه گذاری بیشتری شود. این استعدادسنجی باید در تمام مراحل باشد و اگر مشخص شد که شخص استعداد تحصیل بالاتر ندارد این را هم به او تذکر بدهند که اصلا از

ارتباط دائم باشد، بوجود آوریم تا در سازمان حوزه به این هدف برسیم. همچنین این بحث هم مطرح شد که چون لباس روحانیت مثل لباس نظامی و ارتشی نیست و با لباس معمول مردم فرق دارد و به عبارتی یک اونیفرم است یعنی این لباس صرفاً پوشش انسان نیست بلکه این لباس پیام دارد و با مردم حرف می زند، از این رو باید فکری بکنیم که خود لباس نشان دهنده درجه حوزوی این فرد باشد، و البته فرم آن باید مطالعه شود، چون کم و بیش می دانیم که سوء استفاده از این لباس شده و می شود، مردم در برخی می گویند که ما فریب خورده ایم، چون فلان آقایک شکل و شمایل عالمانه ای داشت و ما نمی دانستیم که این آقا چه کاره است و در چه سطحی از مراتب علمی قرار دارد فریب سخنان او را خوردیم. الان در حوزه کارت تحصیلی به افراد می دهند و سابق این کارت هم نبود، و در برخی مراکز به روحانیون می گویند کارت مدارج علمی شما را ببینیم تا شما را بشناسیم.

همین طور این قضیه لباس در خیلی از جاها، بخصوص در بین توده مردم مطرح است، یعنی در جاهایی که شخصی با این لباس می تواند برود و از او مدارج علمی و کارت تحصیلی هم نمی خواهند، بایستی راه سوء استفاده برای این نکته هم بجاست فکری بشود و طراحان روی آن کار کنند که به یک شیوه ای حتی خود لباس نشان بدهد که این شخص از نظر درجه علمی چند سال در حوزه درس خوانده و چه مقدار کسب علم کرده است. امیدواریم که خداوند به همه ما توفیق تلاش و خدمتگزاری در حوزه علمیه را عنایت بفرماید و از خدای منان طلب می کنیم عمر مقام معظم رهبری مدظله العالی را بلند و با برکت بگرداند، و روح بلند حضرت امام اقدس سره و همه علماء و مراجع عظام و شهداء انقلاب را با ارواح طیبه انبیاء و معشورین بگرداند.

نظر سرسی صرف بیت المال برای شما جایز نیست و شما باید مشغول کار شوید و به او گفته شود که شما علی القاعده مجتهد نمی شوید و صاحب رساله و مرجع تقلید نخواهید شد. هر کسی وارد یک مرکز آموزشی شد مگر باید به اعنی درجه اش برسد؟

نوآوری در امور اقتصادی مالی حوزه
 مطلب دیگر نوآوری، در امور اقتصادی- مالی حوزه است. بسیاری از فضلا و طلاب محترم واقعا از تلف شدن وقت در صف شهریه گلایه مند هستند و سالیان سال است که این گلایه را مطرح می کنند و نتیجه ای هم ندارد و می گویند که بهتر است راه دیگری پیدا شود که وقت مالتلف نشود. و من اشاره می کنم به اینکه نگوید که اینها راه عملی ندارد، خیر، خیلی از مؤسسات این کار را کرده اند و چند نفر از یک مؤسسه چندین نفری مسوول شدند که اینها بروند و شهریه هایشان را دریافت کنند و در همان مؤسسه با وقت کمتر و سریعتر به افراد برسانند انشاء الله روی این نکته هم فکر بشود و تصمیم بگیرند که این مسأله حل شود تا طلاب معترض نباشند شما بزرگان که عمری را گذرانده اید، باید در فکر طلاب جوان باشید که گاهی بالین صحنه ها و برو می شوند و نمی توانند تحمل کنند و چه بسا حوزه را رها کنند. اینها واقعیاتی است که باید بپذیریم و یک راه حل بهتری پیدا کنیم. با حل کردن این جزئیات است کلیات هم عوض می شود، چون کلی که وجود خارجی ندارد، فرد و مصداق آن در خارج وجود دارد، و مصداقها همین ها است که باید بزرگان ببینند مشکلاتی هست یا نه؟

نوآوری و مسأله اخلاق در حوزه:
 مسأله دیگر نوآوری در شیوه های درس اخلاق در حوزه است. البته روش های سنتی بسیار مفید بوده و ما استفاده های فراوان کرده ایم، اما به نظر می رسد که روش های جدیدی هم برای تربیت و پرورش اخلاقی افراد هست مثلاً ممکن است با افراد معدودتری، یک مربی اخلاق، یک عمر با آنها باشد و واقعا هم ما می دانیم که پرورش اخلاق یک عمر حشر و نشر با استاد رومی طلبد و همه بزرگانی که در حوزه به مدارج بالای اخلاقی- عرفانی رسیده اند، اینها کسانی بوده اند که با مربی اخلاقی خود مثل فرزندی که با پدر خود زندگی می کند بوده اند.

خیلی از طلاب جوان گلایه دارند که مادر حوزه یک مشاور نداریم و گاهی اوقات یک درد روحی و یا مشکلی داریم نمی دانیم که به چه کسی بیان کنیم؟ برای این کار یک مربی و مشاور نیاز هست که طلبه با او درد دل کند و حرف دل خود را به او بزند. این نیاز دارد به اینکه مادر کنار درسهای عمومی اخلاق یک شیوه های ریزتر و کاربردی تری که مربی اخلاق بتواند با طلاب جوان در

نمایه